

A Paradigm Model for Improving Financial Efficiency and Budgeting Development in Education Using Grounded Theory

Mostafa Shamsoddini^{1*}, Esmail Akhlaghi Yazdinejad²

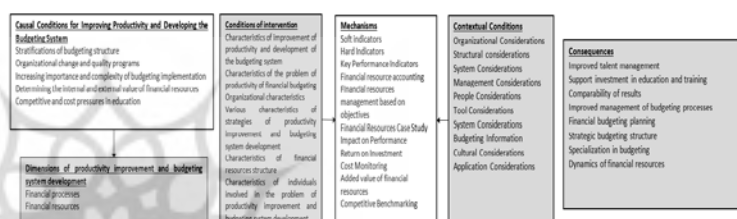
¹Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Management, Economics and Accounting, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran

²Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Management, Economics and Accounting, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran

HIGHLIGHTS

- Improving financial efficiency in education is a solution to face the lack of resources in this field.
- In order to achieve the goals, it is necessary to have a consistent program with a homogenous monitoring and evaluation system.
- Improving the budgeting system increases the effectiveness of education programs.

GRAPHICAL ABSTRACT



ARTICLE INFO

Article history:

Article Type: Research paper

Received: 5 March 2024

Received in revised form: 24 May 2024

Accepted: 18 June 2024

Available online: 20 June 2024

*Correspondence:

m.shamsoddini@hormozgan.ac.ir

How to cite this article:

Shamsoddini, M., Akhlaghi Yazdinejad, E. (2024) A Paradigm Model for Improving Financial Efficiency and Budgeting Development in Education Using Grounded Theory. *System Engineering and Productivity*, 4(1), 71-83.

Keywords:

Financial Efficiency

Budgeting

Education

Grounded Theory

ABSTRACT

Each year, considerable financial resources are allocated to the education of students. The enhancement of educational productivity not only contributes to economic and social development, but also facilitates the optimal training of efficient and creative human resources, which can subsequently lead to the advancement of country. The aim of this study is to provide a model for improving financial efficiency and budget development in education. The research is qualitative and was conducted using Grounded Theory. The statistical population consisted of experts in the research field, and they were purposefully sampled. A semi-structured interview was used as the data collection tool. The study is divided into two parts. The first part of the study attempts to extract a paradigm model using Grounded Theory to improve financial efficiency and budgeting development in education. The model includes causal and background factors, intervention conditions, dimensions of financial efficiency, and consequences of improving financial efficiency and budgeting development. It also highlights the most important concepts in these fields. The second part aims to extract and rank executive, basic, and research solutions to improve financial efficiency and budget development. This will be achieved by drawing on the experiences of other countries and using the research paradigm model. According to the research paradigm model, achieving financial efficiency and an appropriate budgeting system in education requires a coherent program with consistent monitoring and evaluation, as well as organizational insight beyond the mission, goals, and tasks.

مدل پارادایمی ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش و پرورش با استفاده از نظریه داده بنیاد

مصطفی شمس‌الدینی^۱، اسماعیل اخلاقی یزدی نژاد^۲ 

^۱ استادیار، گروه اقتصاد، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران
^۲ استادیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران

چکیده گرافیکی

برجسته‌ها

- ارتقای بهره‌وری مالی در آموزش و پرورش راهکاری برای مواجهه با کمبود منابع در این حوزه است.
- برای تحقق اهداف، وجود برنامه‌های منسجم با نظام نظارت و ارزیابی همگن الزامی است.
- ارتقای نظام بودجه‌ریزی، میزان اثربخشی برنامه‌های آموزش و پرورش را افزایش می‌دهد.



چکیده

هرساله منابع مالی عظیمی برای تعلیم و تربیت دانش‌آموزان مورد استفاده قرار می‌گیرد. ارتقای بهره‌وری در آموزش و پرورش نه تنها به توسعه اقتصادی اجتماعی کمک می‌کند، بلکه از طریق تربیت بهینه نیروی انسانی کارآمد و خلاق می‌تواند موجب اعتلای کشور گردد. هدف مطالعه حاضر، ارائه مدل مناسب برای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش و پرورش است. این پژوهش از نوع کیفی است که با به‌کارگیری نظریه داده بنیاد انجام شده است. جامعه آماری پژوهش خبرگان آگاه به حوزه تحقیق بودند که نمونه‌گیری از آن‌ها به صورت هدفمند انجام پذیرفت. ابزار گردآوری داده در این پژوهش مصاحبه از نوع نیمه ساختاریافته بود. این پژوهش به دو بخش تفکیک شده است. در بخش اول، سعی شده است تا با استفاده از نظریه داده بنیاد، یک مدل پارادایمی جهت ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش و پرورش استخراج گردد. در این مدل، شرایط عالی، زمینه‌ای، مداخله‌ای، ابعاد ارتقای بهره‌وری مالی و پیامدهای بهبود نظام بودجه‌ریزی مورد بررسی قرار گرفته و مهم‌ترین مفاهیم در این زمینه‌ها استخراج گردیده است. در بخش دوم، سعی شده است تا با استفاده از تجربیات سایر کشورها و مدل پارادایمی پژوهش، مهم‌ترین راهکارهای اجرایی، مبنایی و پژوهشی برای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش و پرورش استخراج گردند. بر اساس مدل پارادایمی پژوهش، اصول مهمی که برای نیل به بهره‌وری مالی و نظام بودجه‌ریزی مناسب در آموزش و پرورش ضروری به نظر می‌رسد، وجود برنامه‌ای منسجم با نظارت و ارزیابی همگن و بینش سازمانی فراتر از مأموریت، اهداف و وظایف است.

مشخصات مقاله

تاریخچه مقاله:

نوع مقاله: پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵

بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۰۴

پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۹

ارائه برخط: ۱۴۰۳/۰۳/۳۱

*نویسنده مسئول:

m.shamsoddini@hormozgan.ac.ir

کلیدواژه‌ها:

بهره‌وری مالی

بودجه‌ریزی

آموزش و پرورش

نظریه داده بنیاد

۱- مقدمه

در مدل‌های توسعه به نقش و اثر ارتقای بهره‌وری در استفاده از ظرفیت‌های موجود تأکید می‌گردد چراکه ارتقای بهره‌وری ظرفیت‌های موجود، این امکان را به وجود خواهد آورد که سرمایه‌های موجود توان بازسازی خود را داشته باشد و هر وقت لازم باشد برای نوسازی خود اقدام کنند (Abbas Pour & Yazdani, 2017). ارتقای بهره‌وری انباشت سرمایه‌ای را به وجود می‌آورد که می‌تواند برای توسعه سرمایه‌گذاری‌های موجود و سرمایه‌گذاری‌های جدید مورد استفاده قرار گیرد (Albon et al., 2016). همچنین ارتقای بهره‌وری ظرفیت‌های موجود، امکان ارتقای کیفیت زندگی را برای شاغلین و مصرف‌کنندگان تأمین کرده و از این طریق انگیزه مضاعفی را برای کار و تولید فراهم خواهد کرد (Alexander., 2014).

محدودیت منابع اقتصادی به‌عنوان یک واقعیت و استفاده بهینه از این منابع به‌عنوان یک ضرورت، همواره مورد توجه مدیران و گروه‌های ذی‌نفع در سازمان‌های عمومی و خصوصی است. آموزش و پرورش نیز از این قاعده مستثنا نبوده و به‌شدت وابسته به بودجه و کمک‌های مالی دولت است. در کشورهایی که دولت‌ها ساختارهای مناسب برای اقتصاد آموزش ندارند معضلات و مشکلات بسیاری در زمینه تأمین مالی آموزش و پرورش مشاهده می‌شود (Alkubaisi & Rasool, 2020). قابل ذکر است که آموزش و پرورش به‌عنوان نهادی اجتماعی و فرهنگی، نقشی بی‌بدیل در تربیت نیروی انسانی و تولید سرمایه اجتماعی و فرهنگی در فرایند رشد و تعالی کشور ایفا می‌کند (Atmaja et al., 2023). در جهان امروز رابطه آموزش و پرورش با جامعه و در جهت پاسخگویی به نیازهای متنوع و پیچیدگی آن، اهمیتی مضاعف و روزافزون یافته و با توجه به فرایند جهانی‌شدن و تأثیراتی که این فرایند بر ساختارهای اجتماعی دارد، مطالعه و بررسی ساختار آموزش و پرورش از اولویت‌های مهم و اساسی هر جامعه‌ای به شمار می‌آید چراکه اساساً آموزش و پرورش با ویژگی‌ها و گرایش‌های روحی، فکری و سنت‌های یک ملت همبستگی بسیار دارد (Azvaji & Dadashi, 2011).

در این راستا، مسئله اصلی مطالعه حاضر، ارائه مدل مناسب برای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در حوزه‌های مختلف آموزش و پرورش است. به دلیل نقش مؤثر

توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حوزه آموزش و پرورش در جامعه، بهبود بهره‌وری در هر شاخه از آن، خود عاملی مؤثر در راستای بهبود بهره‌وری جامعه خواهد بود. با توجه به ضرورت بررسی مستمر بهره‌وری مالی و نظام بودجه‌ریزی و ارائه راهکار برای بهبود و ارتقای آن و از آنجا که تا به حال مدلی برای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش و پرورش ارائه نشده است این پژوهش قصد دارد به بررسی وضع موجود در آموزش و پرورش پرداخته و راهکارهای بومی و اجرایی جهت ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش و پرورش ارائه دهد. به خاطر ماهیت متفاوت مسئله تحقیق و نبود مدل‌های نظری جامع در این زمینه، این پژوهش ابتدا یک مدل پارادایمی برای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش و پرورش ارائه می‌کند، سپس با بررسی تجربیات سایر کشورها راهکارهای مناسب برای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی ارائه می‌کند. این مدل می‌تواند در بهبود نظام بودجه‌ریزی و منابع مالی آموزش و پرورش و اجرای راهکارهای مؤثر راهگشا باشد.

۲- مبانی نظری

آموزش و پرورش، بخشی از نیازهای اساسی انسان‌ها در انجام بینش و رسالت خود به‌عنوان انسان در روی زمین هستند. همه انسان‌ها بدون استثنا در این زمین به آموزش نیاز دارند؛ به همین دلیل، حضور دولت در تأمین نیازهای آموزشی مورد انتظار همه فرزندان در همه کشورها قرار دارد (Baker, 2022). از نظر مفهومی و سیاسی، این اتفاق نظر وجود دارد که مداخله دولت در تأمین اعتبار آموزش مورد نیاز است (Becerik-Gerber et al., 2022; Bray, 2002; Chapman & Doris 2019; Chindengwike, 2022). در ارتباط با علت و چرایی دخالت دولت در تأمین مالی آموزش، به‌طور کلی سه دیدگاه وجود دارد. برخی دخالت دولت را از منظر اجتماعی (جامعه‌شناسی آموزش و پرورش)، گروهی از دیدگاه سیاسی (علم سیاست در آموزش و پرورش) وعده‌ای با رویکرد اقتصادی (اقتصاد آموزش و نظریه سرمایه انسانی) مورد توجه قرار داده‌اند (Elasmay, 2021). برنامه‌ها و اهداف دولت باید متناسب با وظایف آن باشد که این امر عموماً از طریق بودجه‌ریزی انجام می‌شود (Ginting, 2020). در کشور ما به حکم کلی اصل ۳۰ قانون

کیفی این منابع ارتقا یابد (Jafari et al., 2022). استفاده از فواید حاصل از ارتقای بهره‌وری نقش بسیار مهمی در رشد و توسعه اقتصادی اجتماعی کشورهای گوناگون دارد. کشور ما نیز که در جهت اقتصاد دانایی محور حرکت می‌کند و تمامی تلاش خود را برای افزایش سرمایه‌های انسانی بکار می‌گیرد چاره‌ای جز ارتقای بهره‌وری در سطوح گوناگون به‌ویژه آموزش و پرورش ندارد.

بهره‌وری در آموزش و پرورش عبارت است از ارتباط میان نحوه استفاده سازمان آموزشی از منابعی که در اختیار دارد و تبدیل آن به خروجی مطلوب (Jiakui et al., 2023). از منظر علم اقتصاد آموزش، مبنای نظری سرمایه‌گذاری در بخش آموزش، نظریه سرمایه انسانی می‌باشد. از نظر این نظریه، افراد به‌طور عقلایی و باهدف برخورداری از نتایج مادی و غیرمادی آتی آموزش، اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کنند؛ به عبارت دیگر، این نظریه برای آموزش نقش بهره‌ورزایی و مولد زایی قائل است (Karimi HajiKhademi & Heidari Pour, 2020). در اینجا مبنای نظری بخش بهره‌وری مالی با استفاده از نظریه مطرح‌شده لینا و همکاران (۲۰۱۰) می‌باشد. آن‌ها، توجه به بهره‌وری و سنجش آن را، با توجه به سنجش اثربخشی، عقلانیت و کارایی مفید دانسته‌اند (Khan & Abdullah, 2019).

در برنامه‌ریزی مالی بخش عمومی، توجه به بهره‌وری عامل مهمی محسوب می‌شود (Kurul, 2012). اندازه‌گیری بهره‌وری، وسیله مهمی برای نظارت و کنترل است و سبب ارتقا سطح تصمیم‌ها، بهبود پاسخگویی و اعتماد عمومی است (Lecours et al., 2023).

یونسکو در سال ۲۰۱۷ در گزارشی با عنوان "تأمین مالی مناسب و مؤثر در مدارس"، سیاست‌های مالی مدارس را در ده کشور منطقه آسیا-اقیانوسیه بررسی کرده است (Linna et al., 2010). این گزارش بیان می‌کند که در سطح جهان، تقاضای رو به رشدی برای بهبود سیاست‌های مالی مدرسه، افزایش بهره‌وری و استفاده مؤثر از منابع موجود در جهت ارائه آموزش کیفی، وجود دارد. این گزارش نتیجه می‌گیرد که بهبود سیاست‌های مالی مدارس به‌شدت وابسته به روندهای منطقه‌ای بوده و با در نظر گرفتن عناصر کلیدی منطقه در سیاست‌گذاری‌ها می‌توان کفایت و کارایی امور مالی مدارس را تضمین نمود.

اساسی جنبه اجباری تربیت عمومی، مسئولیت دولت و رایگان بودن آن را توجیه می‌کند (Hapompwe et al., 2020).

یکی از مباحث مطرح در ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی هر سازمان اصلاح سازوکارهای تخصیص منابع مالی است. نهادهای اقتصادی کارآمد می‌توانند با کاهش نا اطمینانی و افزایش ثبات، هزینه‌های مبادلاتی را کاهش دهند و از این طریق سبب تخصیص کارآمد منابع و گسترش دانش و ایده‌های جدید شوند که این امر افزایش بهره‌وری را به دنبال دارد (Hairon, 2021). به‌طور کلی سازوکارهای تخصیص منابع مالی به چگونگی توزیع منابع مالی بین واحدهای آموزشی، انواع آموزش و مقاطع تحصیلی اطلاق می‌شود (Hedayati & Naji, 2020). برای تعلیم و تربیت لازم است منابع مالی فراهم و میان عناصر و عوامل نظام توزیع شود. بودجه‌ریزی در آموزش و پرورش حلقه رابط میان تأمین‌کنندگان و استفاده‌کنندگان از منابع مالی است. برای ارزیابی کیفیت و اثربخشی سازوکار بودجه‌ریزی، توجه به کارآمدی، برابری و عدالت در توزیع امکانات آموزشی اهمیت زیادی دارد (Hidayah & Syahrani, 2022).

طبق قانون «اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش» در جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶، وزارت آموزش و پرورش، مسئولیت برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، رهبری، هماهنگی و نظارت بر امور آموزشی و پرورشی دوره‌های پیش‌دبستانی، دبستانی، متوسطه و مراکز وابسته به خود را در سراسر کشور به عهده دارد. بر اساس ماده ۲ از فصل اول قانون مذکور و با توجه به اهداف اساسی وزارت آموزش و پرورش در ایران، می‌توان عمده حوزه‌های فعالیت آموزش و پرورش را به فعالیت‌های آموزشی، پرورشی، پژوهشی و ورزشی تقسیم نمود. در این راستا منابع مالی آموزش و پرورش نیز عمدتاً در همین حوزه‌ها هزینه و یا سرمایه‌گذاری می‌شوند که می‌توانند شامل منابع انسانی، فضاهای کالبدی، امکانات سخت‌افزاری و ... که برای پیشبرد هر یک از این فعالیت‌ها مورد نیاز است، باشند.

در ادبیات اقتصادی، چگونگی به‌کارگیری عوامل و منابع رشد اقتصادی در فرایند رشد و توسعه اقتصادی مهم است و هرچه اقتصاد به سمت توسعه‌یافتگی پیش برود به تدریج شدت به‌کارگیری منابع فیزیکی و انسانی کاهش می‌یابد و سعی می‌شود با تغییرات فنی و کارایی عوامل تولید، سطح

۳- روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق بر اساس هدف، در زمره تحقیقات کاربردی است. پژوهش حاضر از نظر روش اجرا و گردآوری داده‌ها کیفی می‌باشد و از ابزار پرسشنامه و مصاحبه استفاده شده است. با توجه به اینکه روش پژوهش حاضر در مرحله ابتدایی کیفی است برای پژوهش حاضر فرضیه‌ای متصور نمی‌گردد. با این حال، مهم‌ترین سؤال‌های پیش‌رو در این پژوهش به صورت زیر هستند:

سؤال اول: مدل مناسب برای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش و پرورش چگونه است؟

سؤال دوم: بر اساس مدل پژوهش و تجربیات موفق سایر کشورها، چه راهکارهایی در زمینه ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش و پرورش می‌توان ارائه داد؟

در سؤال اول، این پژوهش بر اساس روش ازجمله تحقیقات توصیفی از نوع نظریه داده بنیاد است. نظریه داده بنیاد، روش پژوهشی است برای تولید نظریه‌ای که بر اساس گردآوری و تحلیل نظام‌مند داده‌ها بنیان نهاده شده است. این روش برای موقعیتی مناسب است که دانش ما در مورد آن محدود و نظریه قابل‌اعتنا برای آن موجود نیست که بتوان بر اساس آن فرضیه‌ای برای آزمون تدوین کرد. از آنجاکه تابه‌حال مطالعات کافی در بحث ارتقای بهره‌وری منابع مالی آموزش و پرورش صورت نپذیرفته، با استفاده از نظریه داده بنیاد می‌توان یک مدل مشخص برای ارتقای بهره‌وری منابع مالی در آموزش و پرورش پیشنهاد داد.

در سؤال دوم، این پژوهش بر اساس روش ازجمله تحقیقات توصیفی بوده که از نوع پیمایشی-مقطعی است؛ در این سؤال برای جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و دلفی استفاده شده است.

جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش اساتید دانشگاهی، خبرگان و صاحب‌نظران دارای زمینه علمی و کاری مرتبط با ارزیابی و تعالی منابع مالی و بودجه‌ریزی در اقتصاد، مدیریت و آموزش و پرورش می‌باشد. برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری نظری استفاده شده است؛ در این روش، نمونه‌گیری تا جایی که مدل به حد ساخت و اشباع برسد ادامه پیدا می‌کند. شیوه تحلیل داده‌ها نیز کدگذاری باز محوری و انتخابی بوده است. به دلیل تخصصی بودن مفاهیم و نو بودن عنوان تحقیق و همچنین عدم وجود

سوابق مطالعاتی مستند در این حوزه، در این مرحله خبرگانی انتخاب خواهند شد که دارای سابقه مفید در زمینه مورد پرسش باشند. از این‌رو، در این پژوهش پانل خبرگان شامل ۱۴ نفر از اساتید و متخصصان امر بود که بیشترین آشنایی و سابقه را در زمینه پژوهش داشتند. اطلاعات جمعیت شناختی پانل خبرگان در جدول ۱ گزارش شده است.

جدول (۱): اطلاعات جمعیت شناختی پانل پژوهش

ویژگی	تعداد
جنسیت	زن ۵ مرد ۹
تحصیلات	کارشناسی ارشد ۴ دکتری ۱۰
سن	بین ۳۵ تا ۴۵ سال ۴ بیشتر از ۴۵ سال ۱۰
سابقه حرفه‌ای	بین ۱۰ تا ۲۰ سال ۶ بیشتر از ۲۰ سال ۸
سابقه مسئولیت اجرایی	دارد ۷ ندارد ۷
در آموزش و پرورش	دارد ۷ ندارد ۷

۴- تجزیه و تحلیل یافته‌ها

سؤال اول: مدل مناسب برای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش و پرورش چگونه است؟

در این بخش، سعی شد تا با استفاده از نظریه داده بنیاد، مدل مناسب برای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش و پرورش استخراج گردد. شیوه تحلیل داده‌ها در این قسمت، کدگذاری باز، محوری و انتخابی بوده است. در کدگذاری باز، دو مرحله انجام می‌شود؛ در مرحله اول بر روی متن مصاحبه‌های پیاده شده و تجربیات کشورهای منتخب، کدگذاری می‌شود و در مرحله دوم بر روی کدهای اولیه، کدگذاری مرتبه دومی صورت می‌گیرد. در کدگذاری محوری سعی می‌شود تا مقوله‌ها و مفاهیم را در قالب مدل پارادایمی گنجانند و برای مقوله‌های استخراج شده یکسری خصوصیات و برای هر خصوصیت یک دامنه تعریف کرد و در نهایت در کدگذاری انتخابی سعی می‌شود تا مسیر مقوله‌های به‌دست آمده را مرتبط باهم تعیین نمود. در ادامه نتایج کدگذاری باز و محوری ارائه گردیده و سپس نتایج کدگذاری انتخابی ارائه می‌گردد.

جدول (۲): مقوله‌ها، مفاهیم و کدهای نهایی ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش و پرورش

مقوله	مفاهیم	کدهای نهایی
شرایط علی ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش و پرورش	استراتژیک شدن ساختار بودجه‌ریزی	مرتبط کردن بودجه‌ریزی به استراتژی‌های آموزش و پرورش
	تغییر سازمانی	شناخت بهتر انتظارات از هزینه کرد منابع مالی
	اهمیت بودجه‌ریزی در آموزش و پرورش	ارتقای بهره‌وری مالی
	تعیین ارزش افزوده منابع مالی در آموزش و پرورش	فرایندهای بودجه‌ریزی در آموزش و پرورش
	فشارهای هزینه‌ای بر آموزش و پرورش	ضعف مدل‌های بودجه‌ریزی در آموزش و پرورش
	فشارهای محک‌زنی عملکرد	تأثیرگذاری سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش
		ارزش افزوده سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش
		خروجی نظام‌های بودجه‌ریزی در آموزش و پرورش
		فشارها برای کاهش هزینه‌ها
		تفکرات مدیران آموزش و پرورش و فشار ارتقای بهره‌وری مالی
شرایط زمینه‌ای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش و پرورش	ملاحظات سازمانی مربوط به ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی	مد شدن ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی
	ملاحظات ساختاری مربوط به ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی	مشخص کردن نقاط قوت و ضعف در هزینه کرد منابع مالی
	سیستم‌های ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی	ماهیت آموزشی و پرورشی فعالیت‌های آموزش و پرورش
	ملاحظات مدیریتی مربوط به ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی	رویکرد مناسب فرایندهای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی
	افراد مربوط به ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی	تعریف مکانیزم‌های ساختاری ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی
	سیستم اطلاعات بودجه‌ریزی مالی و توسعه	تعیین نقش و مسئولیت افراد در ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی
	نظام بودجه‌ریزی	یکپارچگی اقدامات در راستای بهبود بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی
	ملاحظات فرهنگی مربوط به ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی	تعریف شاخص‌ها، استراتژی‌ها و سیاست‌ها
	نتایج ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی	اعتقاد و حمایت مدیریت از ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی
		آشنایی مدیران با راهکارهای ارتقای بهره‌وری مالی و اهمیت آن
نتایج ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی	سیستم اطلاعات بودجه‌ریزی مالی و توسعه	شایستگی تخصصی افراد در آموزش و پرورش
	نظام بودجه‌ریزی	شایستگی رفتاری افراد در آموزش و پرورش
	ملاحظات فرهنگی مربوط به ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی	روایی و پایایی ابزارهای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی
	نظام بودجه‌ریزی	استفاده درست از ابزارهای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی
	سیستم اطلاعات بودجه‌ریزی مالی و توسعه	فناوری اطلاعات در نظام بودجه‌ریزی
	نظام بودجه‌ریزی	داده‌ها و نتایج ارتقای بهره‌وری مالی
	ملاحظات فرهنگی مربوط به ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی	نگرش و فرهنگ ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی
	نتایج ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی	اجتناب از سیاسی‌کاری و بی‌اعتمادی
		شناخت و داشتن انتظارات منطقی درباره ارتقای بهره‌وری مالی
		تعریف پروژه‌های بهبود بهره‌وری بر اساس نتایج

ادامه جدول (۲).

مقوله	مفاهیم	کدهای نهایی
شرایط مداخله‌ای ارتقای آموزش و پرورش	ویژگی‌های ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی ویژگی‌های مسئله بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی ویژگی‌های سازمانی	متغیر بودن ماهیت بهره‌وری در بودجه‌ریزی مالی زمان‌بر بودن تأثیرگذاری فرایند ارتقای بهره‌وری مالی تعریف درست مسئله بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی تناسب ابزار ارتقای بهره‌وری با مسئله بودجه‌ریزی میزان بودجه اختصاص داده‌شده به ارتقای بهره‌وری مالی ماهیت سازمان و فعالیت‌های آن
ویژگی‌های متفاوت راهکارهای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی	ویژگی‌های افراد درگیر در مسئله بهبود بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی	قابلیت به‌کارگیری، تکرارپذیری و مقایسه‌پذیری راهکار نوع فرهنگ سازمانی موردنیاز برای راهکار نوع منابع مالی ماهیت متفاوت منابع مالی در آموزش و پرورش شایستگی‌های متفاوت افراد تفکر و خواست مدیران درگیر در مسئله
فرایندهای مالی	فرایندهای مالی	ارتقای کارایی فرایندهای مالی ارتقای اثربخشی فرایندهای مالی
ورود منابع مالی	ورود منابع مالی	ارتقای ورود منابع مالی به آموزش و پرورش تأثیر بر رویکرد افراد در آموزش و پرورش
مکانیزم‌های ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی	مکانیزم‌های ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی	شاخص‌های نرم شاخص‌های سخت شاخص‌های کلیدی عملکرد حسابداری منابع مالی مدیریت منابع مالی بر مبنای هدف مورد کاوی منابع مالی تأثیر بر عملکرد بازده سرمایه‌گذاری پایش هزینه‌ها ارزش‌افزوده منابع مالی الگوبرداری رقابتی
بهبود مدیریت استعداد	بهبود مدیریت استعداد	بهبود جذب و حفظ افراد بهره‌ور بهبود پیامدهای شغلی افراد کیفی کردن مباحث کمی در بودجه‌ریزی مالی تعیین میزان و بازده سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش مقایسه نتایج هزینه کرد منابع مالی آموزش و پرورش با گذشته و دیگر سازمان‌ها بهبود فرایندهای بودجه‌ریزی مدیریت بهتر هزینه‌ها
برنامه‌ریزی در بودجه‌ریزی مالی	برنامه‌ریزی در بودجه‌ریزی مالی	شناسایی نقاط قوت و ضعف در بودجه‌ریزی مالی هدف‌گذاری، تصمیم‌گیری و اقدامات اصلاحی در بودجه هم‌راستایی منابع مالی با استراتژی‌های آموزش و پرورش کمک به پیاده‌سازی استراتژی‌های آموزش و پرورش تخصصی شدن بودجه‌ریزی مالی در آموزش و پرورش رقابت‌پذیری و پویایی بهتر در منابع مالی
استراتژیک شدن ساختار بودجه‌ریزی تخصص‌گرایی در بودجه‌ریزی پویایی منابع مالی	استراتژیک شدن ساختار بودجه‌ریزی تخصص‌گرایی در بودجه‌ریزی پویایی منابع مالی	

انتظارات مؤسسه را به‌طور بهینه مدیریت کنند. در اغلب ادارات آموزش و پرورش کشور، مدیران مالی و ارکان تحت سرپرستی آن‌ها دارای نقش اداری هستند. با وضعیت نامناسب اعتبارات مالی در ادارات آموزش و پرورش کشور و استخدام متخصصان گوناگون، مدیران مالی به ناگزیر بهبود بهره‌وری مالی و ارتقا نظام بودجه‌ریزی را مدنظر قرار دادند. بدین ترتیب هم تخصص‌گرایی رواج پیدا کرده و هم منزلت آموزش و پرورش ارتقا می‌یابد. به‌علاوه استفاده ادارات آموزش و پرورش از الگوهای تعالی می‌تواند در بهبود بهره‌وری مالی مفید باشد؛ بنابراین می‌توان گفت علاقه مدیران مالی جهت بهبود بهره‌وری مالی موجب می‌شود تا ادارات آموزش و پرورش به سمت ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی خود روی آورند.

منظور از شرایط علی مطروحه در شکل ۱ همان مشوق‌ها جهت بهبود بهره‌وری مالی و ارتقا نظام بودجه‌ریزی می‌باشد. بعضی مواقع این مشوق‌ها رنگ می‌بازند ولی در زمان مناسب می‌توانند مدیران آموزش و پرورش را ترغیب کرده تا به ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی روی آورند. جهت بهبود بهره‌وری مالی و ارتقا نظام بودجه‌ریزی می‌باشد. بعضی مواقع این مشوق‌ها رنگ می‌بازند ولی در زمان مناسب می‌توانند مدیران آموزش و پرورش را ترغیب کرده تا به ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی روی آورند. مدیران مالی و ارکان تحت سرپرستی آن‌ها علاقه‌مند هستند تا در تعیین راهبردهای آموزش و پرورش نقش مهمی ایفا کرده و بتوانند



شکل (۱): مدل پارادایمی ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش و پرورش

کارایی و اثربخشی، فرهنگ‌سازمانی، میزان سهولت استفاده، سطح تکرارپذیری و درجه قابلیت مقایسه در انتخاب راهکارها مؤثر می‌باشند.

دو بعد اصلی از ابعاد بهبود بهره‌وری مالی و ارتقا نظام بودجه‌ریزی، ارتقای بهره‌وری فرایندهای مالی و ورود منابع می‌باشد. ارتقای بهره‌وری فرایندهای مالی شامل دو جزء کارایی و اثربخشی این فرایندها می‌باشد. باید توجه داشت که ارتقای بهره‌وری فرایندهای مالی مشتمل بر سه رکن اساسی پیامدهای شغلی، توانمندی‌ها و عملکرد افراد می‌باشد.

از دیگر سو باید توجه داشت که آموزش و پرورش از طریق بهبود بهره‌وری مالی و ارتقا نظام بودجه‌ریزی خود می‌تواند میزان اثربخشی برنامه‌های خود در راستای جذب، حفظ و توسعه سرمایه انسانی را بهبود ببخشد. به علاوه، بهبود بهره‌وری مالی و ارتقای نظام بودجه‌ریزی از طریق افزایش ارزش و منافع حاصله از فعالیت‌های آموزش و پرورش موجب جذب سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه در این وادی خواهد شد. همچنین این امر می‌تواند از طریق ایجاد قابلیت مقایسه، نقاط قوت و ضعف آموزش و پرورش با سایر سازمان‌ها را نمایان سازد. بهبود بهره‌وری مالی و ارتقای نظام بودجه‌ریزی می‌تواند موجب هدف‌گذاری دقیق‌تر و حمایت بیشتر مدیریت ارشد جهت برنامه‌ریزی عملیاتی مالی شود. به علاوه این امر تبدیل ساختار منابع مالی آموزش و پرورش به ساختاری پویا را تسریع می‌کند.

از آنجایی که در پژوهش کیفی رکن اصلی پژوهشگر بوده و با توجه به اینکه شیوه جمع‌آوری داده در بخش کیفی مصاحبه است، روش تضمین روایی به این صورت بوده که در هر مرحله از گردآوری و تحلیل داده‌ها به سایر پژوهشگران و اساتید مراجعه و نظرات آن‌ها در خلال پژوهش به دست آمد. برای سنجش پایایی مصاحبه‌ها به لحاظ کدگذاری و تحلیل از دو راهبرد روش توافق موضوعی و درگیری طولانی مدت پژوهشگر با فضای پژوهشی استفاده شد. در این راستا از یک نفر همکار پژوهش برای کدگذاری مجدد و محاسبه درصد توافق درون موضوعی استفاده شد. از آنجاکه درصد توافق درون موضوعی بین دو کدگذار بیش از ۷۰ درصد بوده، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید است. همچنین در این پژوهش، زمان طولانی انجام، موجب جلب اعتماد مشارکت‌کنندگان و کنترل بدفهمی‌های ناشی

از دیگر سو، شرایط زمینه‌ای دربرگیرنده خصوصیات درون و برون سازمانی جهت بهبود بهره‌وری و ارتقا نظام بودجه‌بندی می‌باشند. ارتقای بهره‌وری، تعریف و نقش مسئولیت‌های افراد درگیر در مسئله بهره‌وری می‌باشد تا این کار قائم به فرد نشود و حالت سیستمی پیدا کند. یکی دیگر از شرایط زمینه‌ای مؤثر بر ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی، عدم ثبات مدیریتی و اعتقاد و حمایت مدیریت از ارتقای بهره‌وری می‌باشد که در ادارات آموزش و پرورش جایگاه مناسب خود را پیدا نکرده است. علاوه بر این وجود افرادی به عنوان پیشگر که از لحاظ تخصص مالی، تفکرات علت و معلولی و پایبندی به تعالی سازمانی شایسته باشند، مفید به نظر می‌رسد. فناوری اطلاعات پیشرفته و اخلاق‌مداری در زمینه داده‌های مالی آموزش و پرورش موردی دیگر می‌باشد. تقویت فرهنگ خود بهره‌وری، ماهیت آموزشی و پرورشی بودن آموزش و پرورش، سهم قابل ملاحظه هزینه‌های منابع انسانی و توجه به رشد فرایندهای مالی نیز از دیگر شرایط مؤثر بر بهبود بهره‌وری مالی و ارتقای نظام بودجه‌ریزی هستند. شایان ذکر است مهم‌ترین شرط زمینه‌ای، یکپارچگی فرایند بهبود بهره‌وری مالی و هم‌راستایی اقدامات با استراتژی‌های آموزش و پرورش و تعریف درست سنجه‌ها و همچنین درک مناسب از فلسفه بهبود بهره‌وری می‌باشد.

شرایط مداخله‌ای شرایطی هستند که بر انتخاب و اجرای صحیح مکانیزم‌های بهبود بهره‌وری مالی و ارتقا نظام بودجه‌ریزی مؤثر هستند. یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر انتخاب مکانیزم‌های ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی، ویژگی‌های بودجه‌ریزی مالی است. این ویژگی‌ها در طول زنجیره بهره‌وری مالی، متغیر، سیال و تأثیرگذاری آن‌ها طولانی مدت می‌باشد. همچنین تعریف درست مسئله بهره‌وری، مشخص کردن فلسفه و رویکرد بهبود بهره‌وری مالی و تناسب راهکارهای ارتقای بهره‌وری مالی با مسئله بودجه‌ریزی در آموزش و پرورش بر اثربخشی راهکارهای اتخاذ شده تأثیر می‌گذارد. خصوصیات مانند تجربه و شایستگی افراد، سطح هزینه و بودجه اختصاص داده شده، پتانسیل دانشی و میزان بلوغ سازمان بر انتخاب بهترین راهکارها جهت بهبود بهره‌وری مؤثر هستند. نوع و ماهیت متمایز منابع مالی و میزان بلوغ فرایندهای آن‌ها، موجب بروز تفاوت در راهکارهای بهبود بهره‌وری مالی و ارتقا نظام بودجه‌ریزی می‌شود. در پایان مواردی از قبیل

از مداخله پژوهشگر شده که این امر پایایی پژوهش را افزایش می‌دهد.

سؤال دوم- بر اساس مدل پژوهش و تجربیات موفق سایر کشورها، چه راهکارهایی در زمینه ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش و پرورش می‌توان ارائه داد؟

یکی از اهداف این پژوهش بررسی تجربیات کشورهای موفق در زمینه ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در سیستم آموزش و پرورش بوده است. در این راستا در مرحله ابتدایی تجربیات موفق ۱۸ کشور کره جنوبی، ژاپن، سنگاپور، هنگ‌کنگ، مالزی، امارات متحده عربی، فنلاند، هلند، ایتالیا، بلژیک، انگلستان، فرانسه، سوئد، ترکیه، برزیل، استرالیا، کانادا و ایالات متحده بررسی شد (Marginson, 2018; Naderi, 2016; Noraniazad et al., 2022; Pinto, 2022; Raste Moghadam & Naderi, 2016; Ritzen et al., 1997; Rowe & Perry, 2020; Sabri et al., 2020; Setiawan, 2018; Shaabani, 2020; Tapia et al., 2022 UNESCO, 2017; Werner & Shah, 2006; West & Ylönen, 2010). در مرحله میانی با تلفیق این تجربیات با مصاحبه‌های صورت گرفته با پانل پژوهش جمع‌بندی از نتایج به‌دست‌آمده صورت گرفت؛ در مرحله

پایانی با مشارکت پانل پژوهش و با روش دلفی در دو دور راهکارهای اولویت‌دار استخراج شده‌اند. در دور اول بر اساس نتایج مرحله میانی، ۴۰ راهکار شناسایی شده در قالب یک پرسشنامه در اختیار اعضای پانل پژوهش قرار داده شد. پاسخ‌دهنده باید نظر خود درباره هر یک از راهکارهای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش و پرورش و بعد مرتبط با آن را با انتخاب یکی از گزینه‌های "تأثیر بسیار زیاد"، "تأثیر زیاد"، "تأثیر متوسط"، "تأثیر کم" و "تأثیر بسیار کم" اعلام می‌کرد؛ همچنین در دور اول از پاسخ‌دهنده خواسته شد تا راهکارهایی که به نظر وی مهم هستند ولی در بین گزینه‌ها نیستند نیز ذکر کند. در دور دوم با جمع‌بندی نتایج دور قبل و نظرات پانل خبرگان، ۳۴ راهکار نهایی شد و مانند دور اول از پانل پژوهش خواسته شد نظر خود را نسبت به این راهکارها با انتخاب یکی از گزینه‌ها اعلام کنند. در مرحله پایانی با تجزیه و تحلیل نتایج دور دوم، در مجموع ۲۲ تجربه (راهکار) اولویت‌دار در سه بعد اجرایی، مبنایی و پژوهشی استخراج شد که به دلیل کاهش از حجم بحث، به‌صورت مختصر در جدول ۳ اشاره شده است.

جدول (۳): راهکارهای اجرایی، مبنایی و پژوهشی برای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی در آموزش و پرورش

ردیف	راهکارها	بعد
۱	بررسی و ارزیابی بهره‌وری مالی سیستم بودجه‌ریزی موجود و بهبود فرایندهای مالی	اجرایی
۲	تقویت بهره‌برداری درست از منابع مالی موجود	اجرایی
۳	مدرنیزاسیون سیستم بودجه‌ریزی مالی آموزش و پرورش برای پاسخگویی به نیازها	اجرایی
۴	تأکید بر کارایی تخصیصی و انطباقی در بودجه‌ریزی مالی آموزش و پرورش	اجرایی
۵	گسترش شناخت در خصوص منافع ارتقای بهره‌وری مالی و مشارکت در تدوین برنامه‌ها	اجرایی
۶	برنامه‌ریزی کلان جهت توجیه مدیران آموزش و پرورش جهت ایجاد باور صرفه‌های اقتصادی ناشی از ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی	اجرایی
۷	به‌کارگیری انواع مشوق‌های مادی و معنوی برای فعالیت‌هایی که در راستای ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی آموزش و پرورش انجام می‌گیرند	اجرایی
۸	تلاش برای اجرای محدود قانون شوراهای آموزش و پرورش	اجرایی
۹	تجمیع مدارس روستایی در راستای هدف افزایش بهره‌وری مالی	اجرایی
۱۰	افزایش آگاهی و لزوم ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی (فرهنگ بهره‌وری)	مبنایی
۱۱	پذیرش و مشارکت عمومی همه کارکنان در ارتقای بهره‌وری مالی (خود بهره‌وری)	مبنایی
۱۲	اصلاح رویکرد نظارت بر بهره‌وری ارکان آموزش و پرورش	مبنایی
۱۳	تسهیل برنامه‌ریزی آموزشی و کاهش موانع غیر آموزشی برای معلمان	مبنایی
۱۴	بازنگری ساختار و قانون تأمین مالی آموزش و پرورش باهدف توانمندسازی و تقویت آن	مبنایی

ادامه جدول (۳).

ردیف	راهکارها	بعد
۱۵	استقلال نسبی ادارات آموزش و پرورش در به‌کارگیری و هدایت منابع مالی موجود	مبنایی
۱۶	تمرکززدایی در آموزش و پرورش و به‌کارگیری روش مدرسه محوری	مبنایی
۱۷	انجام پژوهش‌های پایه و کاربردی در زمینه ارتقای بهره‌وری در آموزش و پرورش	پژوهشی
۱۸	تدوین مقررات موردنیاز در زمینه مشارکت کارکنان در ارتقای بهره‌وری مالی و توسعه نظام بودجه‌ریزی	پژوهشی
۱۹	تنوع بخشیدن به منابع مالی آموزش و پرورش	پژوهشی
۲۰	تدوین استاندارد بهره‌وری در حیطه‌های مختلف آموزش و پرورش	پژوهشی
۲۱	تقویت شناخت و توجه به اقتصاد آموزش و پرورش	پژوهشی
۲۲	تلاش برای استفاده غیرمستقیم از حق رشد دانش‌آموزان	پژوهشی

۶-مراجع

- Becerik-Gerber, B., Lucas, G., Aryal, A., Awada, M., Berges, M., Billington, S. L., ... & Zhao, J. (2022). Ten questions concerning human-building interaction research for improving the quality of life. *Building and Environment*, 226, 109681. DOI: <https://doi.org/10.1016/j.buildenv.2022.109681>
- Bray, T. M. (2002). *The costs and financing of education: Trends and policy implications*. Asian Development Bank & CERC, University of Hong Kong.
- Chapman, B., & Doris, A. (2019). Modelling higher education financing reform for Ireland. *Economics of Education Review*, 71, 109-119. DOI: <https://doi.org/10.1016/j.econedurev.2019.04.001>
- Chindengwike, J. (2022). The influence of value added tax revenue on private domestic investment in developing countries. *Journal of Global Economy*, 18(4), 289-310.
- Elasmay, M. M. (2021). Japan's education system, and its financing. *Sohag University International Journal of Educational Research*, 4(4), 1-6. DOI: <https://doi.org/10.21608/suijer.2021.174765>
- Ginting, N. (2020). Equity and equality in education financing. *Proceeding International Seminar of Islamic Studies*, 1(1), 209-216.
- Hairon, S. (2021). Overview of education in Singapore. *International Handbook on Education in South East Asia*, 1-31.
- Hapompwe, C., Asif Mahbub Karim, F., & Kambikambi, T. (2020). An empirical evaluation of public secondary schools' education financing and its impact on service quality in Lusaka, Abbas Pour, A., & Yazdani, R. (2017). Designing a model for the allocation of non-personnel financial resources in education with the approach of justice in education (reducing inequalities, removing deprivation). *Journal of Research in Management and Accounting*, 19(3), 83-94. (In Persian).
- Albon, S. P., Iqbal, I., & Pearson, M. L. (2016). Strategic planning in an educational development centre: Motivation, management, and messiness. *Collected Essays on Learning and Teaching*, 9, 207-226. DOI: <https://doi.org/10.22329/celt.v9i0.4427>
- Alexander, K., Salmon, R. G., & Alexander, F. K. (2014). *Financing public schools: Theory, policy, and practice*. Routledge.
- Alkubaisi, H., & Rasool, N. (2020). Financing higher education in Arab countries: Challenges, constraints and solutions. *Journal of Education and Training Studies*, 8(8), 38-54. DOI: <https://doi.org/10.11114/jets.v8i8.4708>
- Atmaja, D. S., Zaroni, A. N., & Yusuf, M. (2023). Actualization of performance management models for the development of human resources quality, economic potential, and financial governance policy in Indonesia ministry of education. *Multicultural Education*, 9(01), 1-15.
- Azvaji, A., & Dadashi, S. (2011). Analysis of labor productivity level in Iranian economy, challenges, opportunities and approaches. *Work and Society*, 133, 16-38. (In Persian).
- Baker, B. (2022). Toward equitable and adequate financing of US public schools. *Revista de Financiamento da Educação*, 12(34), 1-21. DOI: <https://doi.org/10.22491/2236-5907127160>

Marginson, S. (2018). Global trends in higher education financing: The United Kingdom. *International Journal of Educational Development*, 58, 26-36.

DOI:

<https://doi.org/10.1016/j.ijedudev.2017.03.008>

Naderi, A. (2016). *Education finance*. Tehran University Press. (In Persian).

Noraniyazad, S., Kamani, M. H., & Keshavarz, F. (2022). Investigating the validity of Wagner's law and performance-based budget reform in public expenditure of selected Asian countries. *Planning and Budgeting*, 26(4), 123-154. (In Persian).

DOI: <https://doi.org/10.52547/jpbud.26.4.123>

Pinto, J. M. D. R. (2022). The education system of Brazil: Financing of education in Brazil. In *The Education Systems of the Americas* (pp. 265-289). Springer International Publishing.

DOI: https://doi.org/10.1007/978-3-030-41651-5_12

Rasteh Moghadam, A., & Naderi, A. (2015). Introduction of financial models using to extract lessons for higher education in Iran. *Iranian Higher Education*, 7(2), 113. (In Persian).

Ritzen, J. M., Van Dommelen, J., & De Vijlder, F. J. (1997). School finance and school choice in the Netherlands. *Economics of Education Review*, 16(3), 329-335.

DOI: [https://doi.org/10.1016/S0272-7757\(96\)00078-7](https://doi.org/10.1016/S0272-7757(96)00078-7)

Rowe, E., & Perry, L. B. (2020). Private financing in urban public schools: Inequalities in a stratified education marketplace. *The Australian Educational Researcher*, 47(1), 19-37.

DOI: <https://doi.org/10.1007/s13384-019-00328-0>

Sabri, M., Wijekoon, R., & Rahim, H. (2020). The influence of money attitude, financial practices, self-efficacy and emotion coping on employees' financial well-being. *Management Science Letters*, 10(4), 889-900.

DOI: <https://doi.org/10.5267/j.msl.2019.10.007>

Setiawan, W. A. (2018). Differences of education systems in developed and developing countries curriculum, educators and financing in Indonesia and Finland. *Didaktika Religia*, 6(1), 139-152.

Shaabani, A. (2020). Responsibilities and duties of education authorities and managers and teachers in front of students' activity. *Ourmazd Research Journal*, 50(2), 27-60. (In Persian).

Tapia, C. E. F., González, M. D. C. P., Ávila, F. J. M., & Cevallos, K. L. F. (2022). The determining factors of productivity and competitiveness from the perspective of territorial and sustainable development. *Revista Iberoamericana de Estudios*

Zambia. *African Journal of Education and Practice*, 6(2), 13-32.

Hedayati, F., & Naji, M. (2020). A systematic pattern of fundamental transformation in education from the point of view of the Supreme Leader. *Survey in Teaching Humanities*, 5(16), 12-21. (In Persian).

DOR: <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.27172260.1398.5.16.2.4>

Hidayah, A., & Syahrani, S. (2022). Internal quality assurance system of education in financing standards and assessment standards. *Indonesian Journal of Education (INJOE)*, 2(3), 291-300.

Jafari, S., Esfandiari, M., & Pahlavani, M. (2022). Investigating the reasons for the difference in total factor productivity between east and west Asia with emphasis on institutions, human capital and relative backwardness. *Planning and Budgeting*, 27(3), 109-140. (In Persian).

DOI: <http://dx.doi.org/10.52547/jpbud.27.3.109>

Jiakui, C., Abbas, J., Najam, H., Liu, J., & Abbas, J. (2023). Green technological innovation, green finance, and financial development and their role in green total factor productivity: Empirical insights from China. *Journal of Cleaner Production*, 382, 135131.

DOI:

<https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2022.135131>

Karimi HajiKhademi, F., & Heidari Pour, K. (2020). Confrontation of tradition and modernity in modern education. *Ourmazd Research Journal*, 51(2), 49-69. (In Persian).

Khan, S., & Abdullah, N. N. (2019). The impact of staff training and development on teachers' productivity. *Economics, Management and Sustainability*, 4(1), 37-45.

DOI: <https://doi.org/10.14254/jems.2019.4-1.4>

Kurul, N. (2012). Turkey under AKP rule: Neoliberal interventions into the public budget and educational finance. In *Neoliberal Transformation of Education in Turkey: Political and Ideological Analysis of Educational Reforms in the Age of the AKP* (pp. 83-94). Palgrave Macmillan US.

Lecours, A., Béland, D., Tombe, T., & Champagne, E. (Eds.). (2023). *Fiscal Federalism in Canada: Analysis, Evaluation, Prescription*. University of Toronto Press.

Linna, P., Pekkola, S., Ukko, J., & Melkas, H. (2010). Defining and measuring productivity in the public sector: Managerial perceptions. *International Journal of Public Sector Management*, 23(5), 479-499.

DOI: <https://doi.org/10.1108/09513551011058493>

de Desarrollo = Iberoamerican Journal of Development Studies, 11(2), 312-337.

DOI: https://doi.org/10.26754/ojs_ried/ijds.695

UNESCO. (2017). Ensuring adequate, efficient & equitable financing in schools. *Education Thematic Brief*, UNESCO Asia-Pacific.

Werner, J., & Shah, A. (2006). Financing of education: Some experiences from ten European countries. *Institute of Local Public Finance, Langen, Working Paper*, (2-2006).

West, A., & Ylönen, A. (2010). Market-oriented school reform in England and Finland: School choice, finance and governance. *Educational Studies*, 36(1), 1-12.

DOI: <https://doi.org/10.1080/03055690902880307>

Zabidi, Z. M., & Adams, D. (2022). Education transformation in Malaysia: Equity, funding, and strategic partnership. In *Education in Malaysia* (pp. 234-247). Routledge.

